

معرفی و نقد چند واژه نامه

دوره سنتی تألیف فرهنگ لغت بسر آمده است، دوره‌ای که فرهنگ‌نویس با تصویری کم و بیش نادرست از ساختمان زبان و ساختمان معنایی کلمه می‌کوشید برای برطرف کردن نیازی آموزشی یا تحقیقی واژگان یک یا دو زبان را مقابل یکدیگر قرار دهد. نیاز روزافزون به واژه‌نامه‌های تخصصی برای رشته‌های مختلف علوم اصول تألیف واژه‌نامه را متحول کرده است. امروزه واژه‌نگاری (lexicography) رشته‌ای علمی یا به عبارت دقیق‌تر فعالیتی میان رشته‌ای (interdisciplinary) است که از یافته‌های برخی از رشته‌ها از جمله «روانشناسی»، «زبان‌شناسی محض»، «علوم کامپیوتر» و «جامعه‌شناسی اطلاعات» سود می‌برد. همچنین محققانی که در حوزه واژه‌نگاری تحقیق می‌کنند، در مورد جنبه‌های مختلف واژه‌نگاری نظریه‌های مستقلی ارائه می‌دهند.

در ایران تألیف یا ترجمه لغت‌نامه‌های تخصصی سابقه چندانی ندارد. در میان کارهای انجام شده به کمتر موردی برمی‌خوریم که از نقص بری باشد. نقص این لغت‌نامه‌ها بیشتر به نحوه گردآوری و سازمان دادن واژگان و نحوه ارائه آنها در لغت‌نامه مربوط می‌شود. در تألیف یا نقد لغت‌نامه باید دو اصل کلی زیر را مبنای کار قرار داد:

۱- هر لغت‌نامه برای مخاطبی معین و برای برطرف کردن نیاز تحقیقاتی یا آموزشی خاصی تألیف می‌شود.

۲- واژگان انتخاب شده و ارائه آنها به نحوی است که نیاز فوق را برطرف می‌کند.

در فصل گذشته سه واژه‌نامه به دفتر مجله رسیده است که در اینجا به اختصار به معرفی و نقد آنها می‌پردازیم.

سردبیر

فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی

انگلیسی به فارسی، دکتر مهدی نوروزی خیابانی

نشرنی، چاپ اول، ۱۳۷۰

فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی تألیف دکتر مهدی نوروزی خیابانی، محقق و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی، با ۱۱۰۰۰ واژه و اصطلاح و ترکیب جامع‌ترین لغت‌نامه سیاسی در نوع خود می‌باشد. مؤلف در توضیح علت تألیف کتاب می‌گوید: «در فرهنگ‌های (علوم) سیاسی که چند نمونه از آنها

به زبانهای فارسی و انگلیسی در دسترس هست، نویسنده به شرح مفاهیم سیاسی می‌پردازد و تعاریفی را ارائه می‌دهد که بیشتر مورد استفاده دانشجویان علوم سیاسی است. به عبارت دیگر، آنها فرهنگ‌های توصیفی اند نه فرهنگ دو زبانه معادلهای اصطلاحات یا واژه‌نامه دو زبانه... ولی کسانی که با خواندن و ترجمه متون سیاسی سر و کار دارند بیش از آشنایی با مفاهیم کلی سیاسی به مجموعه گسترده‌ای از واژگان و اصطلاحات سیاسی پربسامد و معادل فارسی آنها نیاز دارند.

هدف این فرهنگ، چنانکه مؤلف می‌گوید، تعریف اصطلاحات سیاسی نیست. هدف این است که اگر پژوهنده به لغت یا اصطلاحی سیاسی برخورد، بتواند معنی و نیز معادل مصطلح فارسی آن را بیابد. با این حال در مواردی مدخلها به اختصار تعریف شده‌اند. برای مثال در زیر مدخل سیاسی (Policy) تعدادی اصطلاح ترکیبی مانند «سیاست بی طرفی»، «سیاست پشت پرده»، «سیاست ارتجاعی»، «سیاست استعماری» که عمدتاً ترجمه اجزای اصطلاح انگلیسی (گرته برداری) هستند بدون تعریف آمده‌اند. اما اصطلاح Scorched earth policy در قلاب توضیح داده شده است:

سیاست سرزمین سوخته [نابود کردن منابعی که ممکن است برای ارتش مهاجم مفید واقع شود] مدخلهای کتاب، اعم از اسم و فعل و صفت، عمدتاً واژگان و اصطلاحات سیاسی هستند و زیر مدخلها که بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند ترکیباتی هستند که یا خود اصطلاحی سیاسی بشمار می‌آیند، یعنی معنایی خاص دارند که درک معنی دقیق آنها نیاز به تعریف و توضیح دارد، مثل سیاست سرزمین سوخته، و یا ترکیباتی عام هستند که بیشتر در متون سیاسی بکار می‌روند و درک معنی آنها به دانش تخصصی نیاز ندارد. در این مورد مؤلف می‌گوید: «فرهنگ موجود فقط فرهنگ لغات سیاسی، آن گونه که عموماً انتظار می‌رود، نیست، بلکه علاوه بر مفاهیم صرف سیاسی، لغات و اصطلاحاتی را که در مباحث سیاسی بسامدی وقوع بیشتری دارند، شامل می‌شود. این نگرش در فرهنگ‌های تخصصی علوم پایه مصداقی ندارد ولی در علوم انسانی نیاز به تسلط بر واژه‌های عمومی مصطلح در حیطه مورد نظر محسوس تر است.»

در این فرهنگ تنها به معادل یابی برای واژگان یا ترجمه و توضیح آنها اکتفا نشده، بلکه از ۵۰۰۰ جمله برای نشان دادن نحوه کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شده است. هر چند مؤلف نسخه فارسی - انگلیسی این فرهنگ را نیز آماده چاپ کرده است برای کسانی که متون سیاسی می‌نویسند دانستن معنی واژه کافی نیست. نویسنده لازم است دو نوع اطلاعات دیگر در اختیار داشته باشد: ۱ - چگونه کلمه را در جمله از نظر دستوری درست بکار برد. ۲ - چگونه کلمه را آنگونه که اصطلاح اهل سیاست است در جمله بکار برد. به عبارت دیگر نویسنده باید با سیاق سخن (register) در متون سیاسی آشنا باشد. فایده جملات نمونه ضمیمه شده به معنی واژه این است که موردی از کاربرد واژه سیاسی را در متن سیاسی نشان می‌دهد. جملات نمونه ضمیمه این فرهنگ نیز از این نظر مفید و گویاست. جملات بدون ترجمه آمده‌اند و البته خواننده‌ای که از این کتاب استفاده می‌کند در سطحی است که به ترجمه آنها نیاز ندارد. برای آشنایی بیشتر با کتاب به مدخل voice توجه کنید:

رای، نظر، عقیده؛ حق / وسیله اظهار نظر، حق انتخاب؛ ابراز داشتن، اظهار داشتن **voice**

They voiced their approval of the plan.

His voice was for compromise.

He will become a strong voice in our foreign policy.

voice complaint (اظهار) گلایه کردن، زبان به گلایه گشودن

voice concern ابراز نگرانی کردن

voice disgust ابراز انزجار کردن

voice of conscience ندای وجدان

voice of duty حس وظیفه، احساس وظیفه

voice opposition (ابراز) مخالفت کردن

voice support اعلام حمایت کردن

demand a voice in خواستار حق اظهار نظر شدن

give voice to ... ابراز... کردن، اظهار... کردن

The public were at last able to give voice to their dissatisfaction with the government when a general election was called.

have voice in حق اظهار نظر داشتن

I have no voice in the matter.

The ordinary MP may feel he has no voice in determining policy.

make one's voice heard اظهار نظر کردن، صدای خود را به گوش... رساندن

This program gives ordinary viewers a chance to make their voice heard.

peremptory voice لحن آمرانه

He spoke in a peremptory voice, using the tone of one in authority.

raise one's voice against ... با... مخالفت کردن، با... به مخالفت برخاستن

Not many voices were raised against that decision.

He raised his voice against the lack of provisions for the mentally sick.

the public voice رأی عموم، افکار عمومی، نظر عموم

with one voice يك صدا، اجماعاً، همه با هم

All the members demanded his resignation with one voice.

نکته قابل توجه در مورد این لغت‌نامه نحوه گردآوری واژگان است. علوم سیاسی از دیرباز یکی از رشته‌های دانشگاهی است و زبان سیاست زبانی بین‌المللی است، لذا واژگان تخصصی این رشته از جوانب مختلف در لغت‌نامه‌های مختلف ثبت شده است (در کتابنامه این لغت‌نامه نیز نام تعدادی واژه‌نامه سیاسی انگلیسی آمده است). بدین ترتیب لغت‌نامه سیاسی را، مثل بسیاری از لغت‌نامه‌های تخصصی، تألیف نمی‌کنند، بلکه «ترجمه» می‌کنند یا در برابر واژگان سیاسی معادلهایی را قرار می‌دهند که مترجمان یا اهل سیاست پیشنهاد کرده‌اند و در زبان سیاسی مقبولیت و تداول پیدا کرده است. برای تهیه لغت‌نامه سیاسی در هر زبان می‌توان یک لغت‌نامه انگلیسی را مبنای کار قرار داد و خلأ را بکمک سایر لغت‌نامه‌ها یا یادداشتهای شخصی پر کرد. روشی که مؤلف فرهنگ اصطلاحات علوم سیاسی بکار گرفته، آنگونه که در مقدمه توضیح می‌دهد، عکس این است. ایشان واژگان را به روش یادداشت برداری در ظرف چندین سال گردآوری کرده و بعد خلأ موجود را با استفاده از لغت‌نامه‌های سیاسی انگلیسی زبان پر کرده است:

با توجه به گستردگی این زمینه، مدهای مدید مطالعه مقالات و کتابهای سیاسی و استفاده از مصاحبه‌ها و نوارهای خبری لازم بود تا واژه‌ها، ترکیبات و مفاهیم رایج در این زمینه گردآوری شود. علاوه بر استفاده مستمر از مجلات Time; Newsweek; The Economist مقالات سیاسی مندرج در Encyclopedia Americana و چندین فرهنگ علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. درست است که از رهگذر این روش قسمت اعظم واژه‌های مصطلح و شواهد و مثالهای مورد نظر جمع‌آوری گردید، امکان داشت بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات در متون مورد مطالعه به کار نرفته باشد، و در نتیجه، از قلم بیفتند. برای رفع این نقیصه، با استفاده از فرهنگهای

World Book Dictionary; The Random House Dictionary;
Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English

تقریباً تمام واژه‌ها و ترکیباتی که کاربردی در متون سیاسی می‌توانست داشته باشد استخراج و به مجموعه اضافه شد. به این ترتیب، دستیابی به مطالب ذیل مدخل think; toe; in و امثال آن که خود واژه سیاسی نیستند امکان‌پذیر گردید.

فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی فرهنگ سیاسی دو زبانه و جامعی است که طیف وسیعی، از دانشجویان دروس خواندن متون مطبوعاتی و ترجمه متون مطبوعاتی و علوم سیاسی گرفته تا محققان و مترجمان و نویسندگان متون سیاسی می‌توانند از آن بهره بگیرند. یکی از ویژگیهای ارزشمند کتاب فهرست نسبتاً جامع اختصارات سیاسی است که به همراه معادلهای فارسی آنها آمده است. از جنبه فنی کار در خور توجه است. خطوط انتخاب شده و نحوه ترتیب یافتن آنها به نحوی است که یافتن مدخلها و زیر مدخلها را آسان می‌کند. کتاب بسیار کم غلط و خوش چاپ است. تنها چیزی که می‌توان گفت این است که ای کاش چنین کتاب مرجع سودمندی با جلد گالینگور عرضه می‌شد. با توجه به اهمیت و گستردگی کاربرد واژگان علوم سیاسی جای خالی چنین لغت‌نامه جامع علوم سیاسی از دیرباز احساس می‌شد. تلاش مؤلف در برطرف کردن این نیاز ستودنی است. کتاب را به همه کسانی که به نوعی با متون سیاسی سر و کار دارند توصیه می‌کنیم.

واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته

گردآورنده: همادخت همایون

ویراستار: دکتر علی محمد حق شناس

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱

زبان‌شناسی برای رشته‌هایی از علوم انسانی که با مسایل زبانی سر و کار دارند رشته‌ای مادر محسوب می‌شود. اما در ایران تحقیقات و علایق زبان‌شناختی تا حدی به حلقه‌های دانشگاهی محدود شده است و این علم بیشتر میان اساتید و دانشجویان این رشته و رشته‌های کاملاً نزدیک و مرتبط با آن تبادل می‌شود. اگر حلقه‌های زبان‌شناسی کشور علایق و کار خود را به بررسی زبانهای باستانی یا صرفاً به معرفی مفاهیم نظری زبان‌شناختی محدود کنند و یافته‌های زبان‌شناسی را در پژوهشهای عملی و کاربردی و برای پاسخ دادن به نیازهای مبرم تحقیقاتی رشته‌های مختلف و مرتبط با زبان بکار نگیرند زبان‌شناسی همچنان مهجور خواهد ماند و فواید عملی آن بر محققان علوم انسانی روشن نخواهد شد. البته پیشگامان زبان‌شناسی در ایران در شناساندن اصول علمی این رشته تلاش بسیار کرده و از منظری که این رشته در اختیار محقق قرار می‌دهد به زبان فارسی نگریسته‌اند و کوشیده‌اند برخی از مشکلات عملی را پاسخ گویند، اما هنوز بسیاری از زبان‌شناسان ما خود را از جذب پژوهشهای زبان‌شناختی محض رها نکرده‌اند و بسیاری از مشکلات مرتبط با زبان همچنان حل نشده باقی مانده است.

از جمله نیازهای پژوهشی حلقه‌های زبان‌شناختی، فرهنگ‌نامه‌های توصیفی و فرهنگ برابر نهاده‌های واژگان تخصصی این رشته است. با استفاده از فرهنگ برابر نهاده‌ها محقق یا دانشجوی زبان‌شناسی می‌تواند واژگان تخصصی را به نحوی دقیق و یکسان در پژوهشهای خود بکار ببرد. هر چند گردآوری واژگان تخصصی زبان‌شناسی از میان متون طبعاً محدود این رشته کار دشواری نیست، ارزش این قبیل واژه‌نامه‌ها را نباید ناچیز شمرد. اولین واژه‌نامه زبان‌شناسی با عنوان فرهنگ زبان‌شناسی در سال ۱۳۵۷ توسط آقای محمد علی ترابی و دومین واژه‌نامه در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان واژه‌نامه زبان‌شناسی توسط آقای کورش صفوی منتشر شده است. از آنجا که در واژه‌نامه‌های تخصصی علوم باید حداقل هر ده سال یکبار تجدید نظر شود، تهیه واژه‌نامه‌ای جدید که در بردارنده اصطلاحات جدید این رشته باشد، موجه جلوه می‌کند. در پیشگفتار کتاب آمده است:

«در تهیه این مجموعه از ۳۵ کتاب و ۵۴ مقاله، اعم از تألیف و ترجمه در رشته‌های زبان‌شناسی و علوم وابسته به آن استفاده شده است... این واژه‌نامه همانگونه که از عنوان آن پیداست صرفاً واژه‌نامه زبان‌شناسی نیست؛ چه اگر زبان‌شناسی به معنی اخص آن گرفته شود حق آن است که پاره‌ای از این اصطلاحات کنار گذاشته شوند، ولی از آنجا که زبان‌شناسی در علوم دیگر چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فلسفه، صناعات ادبی و شعری، کامپیوتر و ریاضی و غیره کاربرد پیدا کرده است، ناگزیر اصطلاحات این گونه علوم و فنون نیز در حوزه زبان‌شناسی مورد

استفاده قرار گرفته‌اند. از این روست که در اینجا سعی شد این قبیل اصطلاحات و واژه‌ها هم در این کتاب آورده شوند.

واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته در واقع از دو بخش اساسی تشکیل شده است. واژه‌نامه انگلیسی-فارسی و واژه‌نامه فارسی-انگلیسی. قبل از بررسی نحوه معرفی واژه‌ها و ذکر منابع و نام افراد پیشنهاد دهنده واژه بهتر است از هر بخش نمونه‌ای بیاوریم.

۲۵	بی انسجامی
۹۷	بند نحوی
۱۱	بند نما
۲۵۰	بند وابسته
۲۷۳	بند واجی
۲۲۴	بند واژگون مرتبه
۱۸۲	بن ساخت
۱۵۸	بنواج شناسی
۱۵۸	بنواج نویسی
۱۸۲	بنیادی

practice

198

practice	تمرین ^{۵۵} ، عمل (در برابر علم) ^{۵۵}
pragmatic	عملی ^{۳۹} ، کاربردی*
pragmatic implication	استلزام عملی ^{۳۹} ، تضمن عملی (دلالت عملی) ^{۳۳}
pragmatics	کاربرد شناسی ^{۱۷-۱۵-۳۳-۶۰} ، کاربرد زبان ^{۶۰}
pragmatism	عمل گرا [نظریه] ^۳ ، کاربرد گرایی*
prattle	مین کردن ^{۴۲}
precausality	پیش علیتی ^{۴۹}
preconcept	پیش مفهوم ^{۴۹}
predialectic	پیش گویشی ^{۱۸}
predicate	گزاره ^{۱۷-۱۵-۳۹} ، مسند ^{۳۸-۸۵} ، خبر ^{۱۷-۱۵} ؛ محمول [منطق] ^{۱۷-۴۰} ، اسناد کردن ^{۱۸}

چنانکه می‌بینید مؤلف به روشی ابتکاری به معرفی واژه‌ها دست زده است ولی در پیشگفتار مزیت این روش را بر روشی که عموماً در واژه‌نامه‌ها بکار می‌رود معلوم نکرده است. این ابتکار غیر لازم کار پژوهشگر در کسب اطلاعات از کتاب را دشوار می‌کند. در بخش فارسی - انگلیسی در برابر هر واژه فارسی یک شماره آمده است که شماره صفحه‌ای از کتاب است. پژوهشگر برای یافتن معادل انگلیسی واژه فارسی باید به صفحه مربوطه مراجعه کند و از میان حدود بیست واژه موجود در آن صفحه واژه مربوطه را بیابد. با این روش، واژه‌یابی با دوبرار مراجعه میسر می‌شود حال آنکه مؤلف می‌توانست در برابر واژه فارسی معادل انگلیسی آن را نیز بیاورد. از آن گذشته، به برخی از مدخلهای این بخش توجه کنید: «به صورت بخش‌های جداگانه»، «به طور ارجاعی»، «به گونه طرح کلی». این مدخلها کلمه نیستند بلکه عباراتی توصیفی یا قیدی هستند و پژوهشگر از پیش نمی‌داند که ممکن است چنین مدخلهایی در کتاب موجود باشد تا به دنبال آنان بگردد.

در بخش انگلیسی - فارسی نیز به هر یک از واژه‌های پیشنهادی فارسی شماره‌ای داده شده است که شماره مقاله یا کتابی است که این واژه در آن به کار رفته است. (فهرست مقالات و کتب مورد استفاده با شماره در ابتدای کتاب آمده است). در اینجا نیز اگر پژوهشگر بخواهد نام شخص پیشنهاد دهنده را بداند باید به فهرست مقالات و کتب مراجعه کند.

بین دو بخش انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی بخشی ضمیمه گنجانده شده است که در آن فهرستی انگلیسی - فارسی از نام زبانها آمده است. کتاب با یک صفحه غلط‌نامه همراه است. دو نکته در مورد کتاب جلب توجه می‌کند. اول آنکه کتاب در تیراژ ۱۵۰۰ نسخه چاپ شده است که با توجه به مخاطبان محدود آن توجیه‌پذیر است. ثانیاً نام گردآورنده بر روی جلد آمده است بدون آنکه نقش و کار او در تهیه کتاب مشخص شده باشد. البته این نکته ممکن است در نظر اول بی‌اهمیت جلوه کند و اساساً با توجه به نوع کار، ضرورتی در به لفظ آوردن و قید کردن نقش نویسنده احساس نشود، ولی بطور کلی تألیف و ترجمه آیینی دارد که شایسته است اهل قلم یا ناشرین از اصول آن تبعیت کنند. به نظر بنده لازم است بر روی جلد کتاب و قبل از نام فرد عبارتی از قبیل «گردآورنده» یا «به کوشش» یا «به اهتمام» اضافه شود.

فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ۲ جلد

ویرایش دؤم با تجدیدنظر کلی و افزایش بسیار

گردآوری و تدوین: ماری بریجانیا

ویراستار: بهاء الدین خرمشاهی

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱

برای معرفی این فرهنگ جامع به نقل بخشی از پیشگفتار کتاب بسنده می‌کنیم:

اهمیت اصطلاحات و اصطلاح‌شناسی بر اهل نظر پوشیده نیست. نخستین مشخصه اصطلاحات این است که اغلب آنها از زبان عمومی و عادی برگرفته شده ولی به آن برجستگی و تشخیص داده شده است. مثلاً کلمه «تقصیر» در زبان عرفی و عادی معنای معلومی دارد ولی همین کلمه در اخلاق معنای مشخص‌تر و تقریباً اصطلاحی و در فقه، در باب حج معنایی کاملاً اصطلاحی دارد. یا «تصدیق» در عرف، معانی معلوم و مشخصی دارد برابر با قبول و اذعان، و حتی در وجه اسمی‌اش به گواهی‌نامه هم اطلاق می‌گردد، ولی در منطق، مخصوصاً در تقابل با تصور، معنایی کاملاً اصطلاحی می‌یابد. حاصل آنکه علمای هر رشته و فن لزوماً و همواره واژه‌سازی نمی‌کنند، بلکه غالباً از لغات موجود استفاده می‌کنند با این تفاوت که آن را در معنی یا فحوای خاصی که مخصوص یک یا چند فن است، تثبیت می‌کنند.

مشخصه دوم اصطلاحات، مترادف ناپذیری آنهاست. در زبان عادی و عرفی مترادفات رواج بسیاری دارد، و به کار بردن مترادفات به جای یکدیگر نه فقط اختلالی در تفهیم و تفاهم و ابلاغ پیام ایجاد نمی‌کند، بلکه به غنای زبان و قدرت بیان آن می‌افزاید. در زبان عرفی و کاربرد روزمره، مثلاً به جای آنکه امری را «واجب» بشماریم، می‌توانیم بگوئیم «لازم» یا «حتمی» یا «اجباری» یا «الزامی» یا «ضروری» است. اما در فقه و فلسفه به جای واجب نمی‌توان مترادف آن را گذاشت. واجب در فلسفه برابر با necessary است و معنی خاص خود را دارد. واجب در فقه برابر با obligatory است و معنی خاص و متفاوت با معنی فلسفی و عرفی آن دارد. در این دو مورد نمی‌توان به جای واجب از آن پنج مترادف که پیشتر یاد کردیم استفاده کرد.

اصطلاحات هر علم و فن ستون فقرات آن را تشکیل می‌دهد. بدون اصطلاح‌شناسی فقه و فلسفه یا سایر رشته‌ها، نمی‌توان به آثار و منابع آن رشته‌ها مراجعه و از آنها استفاده کرد.

از دیرباز تهیه فرهنگهای اصطلاح‌شناسی یک زبانه در ایران و حوزه‌های دیگر تمدن و فرهنگ اسلامی رایج بوده است. کتاب الحدود ابن سینا نمونه‌ای کهن در اصطلاح‌شناسی فلسفی است. کثافت اصطلاحات الفنون اثر تهانوی نمونه‌ای دیگر و دایرة المعارف گونه در شرح اصطلاحات علوم و فنون مختلف است. در عصر جدید و رواج ترجمه از زبانهای اروپائی، مسأله تطبیق اصطلاحات و معادلها ضرورت و اهمیت پیدا کرده است. در زمینه فلسفه کوشش سهیل محسن افغان در واژه‌نامه فلسفی - که اصطلاحات فلسفی فارسی و عربی را با معادل انگلیسی، فرانسه، پهلوی، یونانی و لاتین با توضیح فارسی یا عربی گرد آورده است - از کوششهای ارزشمند دوران معاصر است. اما در عصر جدید که ترجمه از زبانهای اروپائی، مخصوصاً انگلیسی رواج و اهمیت بسیاری دارد، معادل‌یابی و برابرگذاری اصطلاحات بر شرح و تعریف آنها اولویت دارد؛ از همین رو تدوین واژه‌نامه‌ها یا واژگانهائی که در برابر لغات خارجی (غالباً انگلیسی، و در مرتبه بعد فرانسه) معادل (های) فارسی گذارده‌اند، بدون توضیح درباره آن لغات، رواج یافته است و برآورنده نیاز اهل تحقیق، مخصوصاً مترجمان است.

در سال ۱۳۵۵ پژوهشگاه علوم انسانی با همکاری آقای داریوش آشوری واژگان فلسفه و علوم اجتماعی (برابر نهاده‌های مترجمان و مؤلفان ایرانی) را در دو مجلد، اول انگلیسی - فارسی، دوم) فرانسه - فارسی از سوی انتشارات آگاه منتشر کرد.

سهیل در سال ۱۳۵۷ فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی را انتشار داد. پژوهشگاه علوم انسانی در

سال ۱۳۶۰ با مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شد و شواقی آن فرهنگ به این مؤسسه منتقل گردید. نظر به احتیاج مترجمان و دانشجویان و کمیاب بودن این کتاب، به صلاحدید مسؤولان، تصمیم به تکمیل آن اثر گرفته شد. لذا گردآوری واژگان در رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، زبان‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، اقتصاد، آمار، حقوق، آموزش و پرورش، مدیریت، زیبایی‌شناسی و هنر آغاز شد. و از دو طریق (۱) واژه‌نامه‌ها (۲) برابر نهاده‌های پای صفحات هر کتاب، لغات و معادل آنها استخراج و درهم ادغام شد.

ویرایش تازه ابتدا دو روایت انگلیسی - فارسی و فرانسه - فارسی تدوین گردید که امکان دارد به صورت فارسی - انگلیسی و فارسی - فرانسه هم تنظیم مجدد گردد و انتشار یابد. این بار جمعاً از ۵۳۵ کتاب استفاده شد (۳۴۵ کتاب برای واژه‌های انگلیسی و ۱۹۰ کتاب برای واژه‌های فرانسه). در کتاب قبلی از ۱۷۳ کتاب برای واژه‌های انگلیسی و ۱۲۲ کتاب برای واژه‌های فرانسه استفاده شده بود.

به نحوه معرفی واژه‌ها در کتاب توجه کنید:

external sense	آریانه‌پر/فلسفه اعلم/فیلسوفان فولادوند/فلسفه کانت	حس خارجی، حس ظاهری حس بیرونی حس ظاهر
external structure	حاجتی/روانشناسی زبان	ساخت برونی
external world	جوادی/فلسفه خرمشاهی/علم و دین	دنیای واقع جهان خارج
extinction	پویازند/پاولوف بهراد/پاولف	خاموشی امحا
extinction procedures	سیف، پودات، فیض/رفتار درمانی	روشهای خاموشی
extinguish	احمدی/وسواس	خاموش کردن
extracting industries	زندیه/مسائل سرمایه	صنایع استخراجی
extraction	امانی، بهنام/لفت نامه	استخراج
extractive industries	رهنما/شرکتهای چندملیتی	صنایع استخراجی
extra-curricular	پروینی/درباره نقد	فوق برنامه
extra-empirical knowledge	اعلم/درآمدی به فلسفه	شناخت فرا تجربی
extralanguage	کیوانی/اصول یادگیری	برون زبان
extra-literary	پروینی/درباره نقد	فوق ادبی، مافوق ادبی
extra-mental	آشوری/از فیشه تا نیچه	برون - ذهنی
extramundane	اعلم/فیلسوفان	فراج جهانی